

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و برزنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

طیار یزدان پناه لموکی
۰۸ دسمبر ۲۰۱۹



خاورمیانه ، دشواری های نیروهای تحول طلب ، در جهت دادن توازن نیرو



در شرایط کنونی خاورمیانه ، به صراحت و نشانه های فراوان از جمله حضور پررنگ توده های مردم به ستوه آمده می توان تصریح داشت که دور دوم جنبش های موسوم به بهار عربی نه این که آغاز شده بلکه تا حد قابل توجهی تعمیق یافته است و درصاف آرائی نوین نیروها دو جریان محوری در رویا روئی با یک دیگر ، دوره به دوره ، بنا به ضرورت تاریخی جنبش های اجتماعی ، فشرده تر و منسجم تر می شوند . نخست نیروهای تمامیت خواه با تمام نهاد های قدرت وابسته به خود، با پشتیبانی عریان امپراتور . دوم نیروی های تحول طلب با تمام نیروهای دور و نزدیکش . از سوی دیگر طرفداران پر شمار طبقه متوسط باورمند که زمانی رهبرانشان با شعارهای داد خواهی « گل » کرده بودند ، گروه قابل توجهی از آنان ، پس از دستیابی به قدرت ، ثروت و فرصت ، تغییر « رویه » داده ، و در صف

مافیای اقتصادی مستحیل شدند که در سالهای اخیر از سقف تا سطح دوشقه شدند بخشی به عنوان گزاره قدرت مافیایی راست افراطی از رویکرد دادخواهی فاصله گرفتند. هر چند در بزنگاه های رسوائی ، سعی دارند برای تحمیل و انحراف جنبش ها از آن کارت اعتباری بهره بگیرند که خوشبختانه طشت شان چنان به زمین افتاده که هیچ رنگ و لعابی جلوه ای به چهره مارک دار آنان نمی دهد منتها بخش دیگر، ضمن پایبندی به اصول اصلاحات در سیر حوادث پیش آمده پس از سال های ۲۰۱۱ به ویژه پس از شکل گیری دور دوم جنبش های موسوم به بهار عربی (۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹) و سرکوب خونین معترضان پا را فراتر گذاشته با رویکردی مردمی ، ضمن فاصله گرفتن از صف نخست به اندیشه تغییر بنیادی نزدیک تر شده اند . دسته اول همان طور که گفته آمد با توجه به پشت پا زدن به اصول ، با تغییر «رویه» و سنجاق کردن خود به مافیای قدرت ، نه اعتبار قابل توجه مردمی دارند و نه نیروئی قابل اعتماد برای غالب جریان های تحول طلب به حساب می آیند . حتی سران بلند پایه شان با تمام هیمنه سیاسی ، امکانات مالی و پرنسیب پرطرفدار در میان رفرمیست های راست و معتدل ، از جانب قدرت مسلط به عنوان رقیب و دشمن مودی ، سرکوب و از میان برداشته شدند . شایسته تأکید است که رفرمیست ها، به طور غالب، برون حکومتی، که در سیر حوادث و ایستادن علیه مافیای اقتصادی، صدمات جدئی را تحمل کردند با حفظ مواضع اصلاح طلبی ، سمت گیری مردمی را به عنوان گزینه ای تحکم آمیز برگزیدند که بیش تر به یک تشر سنگین سیاسی نزدیک است ، اینان دارای اعتبار ملی – منطقه ئی در سطح مقام های معتبر دینی – سیاسی خاورمیانه اند جایگاهی که نمی توان انکار کرد

شایسته یاد آوری ست ، باتوجه به ورشکستگی سنگین اقتصادی طبقه متوسطه در خاور میانه و فقر فزاینده توده مردم فرو دست ، ناشی از به کارگیری ریاضت اقتصادی غالب حکومت های ارتجاعی منطقه ... که صورتی مضاعف به خود گرفته است اکنون ارتش عظیمی را شکل می دهند که با خیزش های اخیر ثابت کردند عزمی راسخ تا حد گذر از جان برای یک تحول عمیق اجتماعی را دارا هستند که بدون تأثیر و ارتباط با جنبش جهانی رشدیافته ، بنا به داشتن سرنوشتی مشترک علیه راست های افراطی نیست. بدون تردید و با توجه به تازه های روی داده ، ثابت شده است اقشار و لایه های طبقه متوسط خاورمیانه به بلند پایگانی از طبقه خود که در کسوت رهبری، صدیق مانده اند، انگیزه تازه ای یافته و جانی گرفته اند زیرا بار هزینه سنگین ایستادگی خود را در حمایت از آنان سال ها به جان خریدند . سیر تکوینی شخصیت برخی از آنان در خاورمیانه که به دوران هر آلودگی باشند بسیار شاخص و نادرند. که به طریق اولی در ترکیب اتحاد نیروها ، دارای مرتبه ای در خور اند، که نمی توان در تشکیل جبهه متحد نسبت به آنان مغفول ماند . کارگران شکل یافته سندیکالیست به مفهوم اعم کلمه از شاغل تا باز نشسته ، دانشجویان متشکل همسو ، و توده های وسیع مردم « جان به سر شده » که به طور غالب نیروی های جوان دانش آموخته اند ، در برپائی خیزش های مردمی اخیر خاورمیانه، نقش کلیدی دارند که حاصل ده ها سال کار مستمر نیروهای تحول طلب به طور اخص و دیگر نیروهای ملی – میهنی ، به طور اعم محسوب می شود .

بنا به این شرح و با توجه به خیزش های فزاینده رو به رشد منطقه، رهبری نمایندگان جریان سالم طبقه متوسط ، به طور غالب برون حکومتی که به صورت کاریزماتیک به متن جامعه بر آمده جلوه یافته ، تحرک و تنفس تازه ای را آفریده که فرصت مناسبی را برای حزب تحول طلب فراهم آورده که طی سالها با تکه تکه پشم ها، فرش خوش نقشی را بنا به داشتن اعتبار و قدرت معنوی کم نظیر پیشین خود ، نقش زده است . حال در پیوندی تازه با توجه به توازن نیرو ، یارگیری در برابر راست های افراطی و پوپولیستی ها حرفه ای به نظر می رسد که باید خلاقیتی را پی ریزی کند ، البته با به کار گیری سیاست تسامح ، در کنار دیگر نیروی های ملی – میهنی ، آن را به صورت ایستگاه مهمی محسوب دارد که در برپائی اتحاد ملی – دمکراتیک که وحدت نیروها ، رو مشترکات ، که رویکرد مردمی دارد در یک

مجموعه متشکل ، برای دوران گذار ، سازماندهی کند . آشکار است اهمیت این امر مصونیت جامعه و نیروهای متحد آنان را در مقابل سه جریان راست افراطی موجود ، که مورد تأیید و حمایت همه جانبه امپراتورند ، ارتقاء خواهد داد . نکته ای که نباید فرو گذار کرد در باره مجموعه متحد راست های افراطی ست که پیش تر به آن اشاره رفت (۱) که برآیند نزاع نمایشی آنان در خاورمیانه که در ادامه سرکوب جنبش نخست بهار عربی باهدف به عقب راندن خیزش های داد خواهانه برنامه ریزی شده صورت معکوس به خود خواهد گرفت ، در نتیجه آتش جنبش را شعله ورتتر خواهد کرد اکنون که حاصل آن نزاع ، نه این که خیزش های مردمی را مرعوب و خاموش نکرد بلکه جنبش داد خواهانه را تسریع نمود . مهمی که همه نیروهای منطقه ئی وابسته به امپراتور را به چاره جوئی و تفکر واداشت . این عدم تعادل پیش آمده می تواند با انگشت تدبیر نیروهای تحول طلب و متحدینش ، توازن قواء را به سمت نیروهای ترقی خواه ارتقاء دهد نکته قابل توجه از مواضع سه جریان راست افراطی به ویژه اطلاعیه اخیر به نام «سواک» ایران علیه کلیه نیروهای تحول طلب ، ملی و میهنی (چه روحانیون و چه نیروهای چپ) با دادن نام و نشانی از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ است که صریحاً انگشت تأکید رو این نکته نهاد : نمی بایست به آنان فرصت بودن داده می شد ، این بیانیه یا بهتر گفته شود خط و نشان کشیدن پر کینه ، چنان تکان دهنده و بی موقع بود که سریعاً حذف شد .

۱-خاورمیانه و جنون نظامی گری امپراتور در خلیج فارس ، طیار یزدان پناه لموکی ، مجله هفته ، ۳۰ اگست ۲۰۱۹